

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عین الدین نذیری – کابل

۱۰ جولای ۲۰۱۴

افتضاح شکست «دبَل عبدالله»

مجالى مهيا شد تا بعد از ساليان متمادى به زيارت وطن و زادگاه عزيزم کابل بيايم، مدتى را درينجا بمانم و در ضمن ماجراى انتخابات رياست جمهورى افغانستان را هم از نزديک و به چشم سر تماشا نمايم.

يک وقتى، که به دوره صدارت سردار داوود خان شهيد بر مى گردد، موضوع پشتونستان سر زبانها افتاده بود و خان عبدالغفار خان و خان عبدالصمد خان – دو خان پشتون آن طرف سرحد تحميلي ديورند – به کابل مى آمدند و نقل مطبوعات بودند. مردم کابل که بسيار طنزگوى اند، اين دو زعيم را که نامهايشان با «خان» شروع و ختم ميشد، «خانهاى دوسره» نام مانده بودند. چقدر خوب شد که زنده بوديم و در داخل وطن محبوب هم کسى را يافتيم که خود را سر زبان ها انداخته و به اصطلاح مطرح ساخته است. منظور از داکتر عبدالله عبدالله است که اخيراً در برابر رقيب خود داکتر اشرف غنى احمد زى شکستى سخت مفتضاحانه خورد.

من با جنبه هاى سياسى موضوع تماس نمى گيرم و اينکه کداميک از اين دو پايدو در خدمت کردن به باداران خود وفادارى بيشتر دارند. درين عرصه در همين پورتال وزين «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» بسيار نوشته شده است.

مردمان کابل که با وجود ديدن صدها ليل و نهار ساليان اخير، از طنزگوئى ها و گپ جورکردن ها نمانده اند، در باره وجه تسميه «عبدالله عبدالله» تبصره هاى مى کنند؛ مثلاً:

- تعدادى عبدالله عبدالله را «عبدالله و سايه اش» مى خوانند؛ چون که عبدالله دومى را سايه عبدالله اولى مى دانند.

- اشخاص ديگرى مى گويند، که «عبدالله بنده خدا»؛ يعنى آن «عبدالله» دومى در مفهوم واقعى خود «بنده خدا» استعمال شده است، زيرا که نه خود «داکتر عبدالله» و نه ديگران «پدر»ش را مى شناسند. همين ها او را بعضاً «عبدالله يارو» ياد مى کنند، چون در اصطلاح ايرانيان «يارو» همان مفهومى را افاده مى کند، که «بنده خدا» در کشور ما.

- کسان ديگرى او را «دبل عبدالله» مى خوانند؛ عيناً مثل «دبل ايجنت» که دوطرفه کار مى زند و دوطرفه جاسوسى مى نمايد. اينها معتقد اند که همين «دبل عبدالله» در واقع «دبل ايجنت» هم هست، چون يک «عبدالله» آن در خدمت استخبارات روسيه (کى جى بى) مى باشد و آن «عبدالله» دگرش در خدمت استخبارات جمهورى اسلامى ايران يا واک.

البته توجهات دیگری هم در زمینه موجود است، که از ذکر همه منصرف می شوم. تحلیلگران سیاسی معتقد هستند، که شور و واویلا و زورگویی های انحصارطلبانه ای را که «دبیل عبدالله» و هواداران خيله خندش در این اواخر در کابل برپا کردند، به مثابه آخرین میخی تلقی شده می تواند که بر تابوت سیاسی او زده می شود، چون او هم قمار را باخت، هم حریف را از دست داد و هم راهی برای آینده سیاسی خود باقی نگذاشت.